

رویارویی فرهنگی و قدرت نرم در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

احسان شاکری خوئی*

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، به واسطه ظرفیت‌های فرهنگی انقلاب اسلامی و امواج منطقه‌ای و جهانی آن، پیشتر از آمریکا، با اتخاذ و اعمال قدرت نرم و فرهنگی و در عین حال کارساز، منافع ایالات متحده آمریکا را در جهان اسلام و به طور خاص، منطقه حساس خاورمیانه به چالش و مبارزه طلبیده است. بیداری اسلامی، اسلام سیاسی و انقلابی که در روزها و ماه‌های اخیر، دامن‌گیر کشورهای عرب خاورمیانه و شمال آفریقا شده است، یکی از نتایج کاربست شیوه‌ها، ابزارها و قدرت نرمی است که ایران با فرهنگ، ایدئولوژی دینی و انقلابی خود، علیه آمریکا به کار گرفته است. در این مقاله، مشخصاً ظرفیت‌ها، شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی و قدرت نرم طرفین، تشریح شده و تصویری از آینده این مواجهه ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی

فرهنگ، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، رسانه، نزاع ایدئولوژیک.

مقدمه

از دیرباز و با آغاز حیات بشری در پهنه گیتی، تعامل و روابط میان افراد یکی از ضرورت‌های اولیه و انسانی بوده است. کنش‌های انسانی صرفاً جنبه فردی و شخصی نداشته و در موارد عذیده و عمده‌ای، معطوف به تعاملات بینا انسانی، اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. دولت‌ها و ملت‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند و مانند افراد، در حال تعامل و تبادل و ارتباط دوسویه و چندسویه با همدیگرند. بعد از صلح وستفالی در اروپا که

حاصل جنگ‌های داخلی در اروپا بود؛ مفهومی مهم و اساسی به نام دولت - ملت^۱ ظهور کرد. بر مبنای خروجی‌ها و دستاوردهای این پیمان، دولت - ملت‌های مختلف از بطن امپراتوری‌های بزرگ و وسیع زاده شدند. (Fenwick, 1965: 12-16) این دولت - ملت‌ها، با دارا بودن مرزهای سرزمینی و جغرافیایی، حاکمیت، جمعیت و حکومت مشخص و متمایز از دیگر واحدهای سیاسی شناخته شدند. تعامل و روابط میان این واحدها چه در اروپا و چه در خارج از اروپا، روابط و سیاست خارجی دولت‌ها را رقم زد. دولت - ملت ایران نیز مصادف با دولت قدرتمند صفوی در قرن ۱۰ هجری و با ابتدا بر شالوده‌های فرهنگی و عقیدتی ملهم از شیعه، روابط خارجی خود را با دول اروپائی آغاز کرد.

ایران، بعد از یافتن هویت اسلامی (شیعی) - ملی خود از عصر صفوی تا به امروز، با کشورهای مختلف و متعددی تعامل و روابط داشته است. از عصر قاجار به این سو، سه قدرت بزرگ روسیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا بیشترین روابط را با ایران داشته‌اند. این روابط اگرچه در ظاهر امر با لحاظ منافع طرفین برقرار می‌شده ولیکن در اغلب اوقات به شکل یکسویه و از جانب این سه کشور هدایت شده و به نفع آنان تمام می‌شد. آمریکا در این میان کشوری بود که بعد از تحولات مربوط به ملی شدن نفت در ایران، به صورت سازمان یافته و سیستماتیک، وارد صحنه سیاسی ایران شد. حضور دولت آمریکا در ایران با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دخالت نظامی - سیاسی که یکی از اشکال قبیح مداخله در امور داخلی هر کشور است، همراه شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران که بر پایه‌های عمیقاً فرهنگی و مذهبی بنا شده بود، مناسبات و تعامل ایران و آمریکا وارد مرحله و فازی نوین شد. مناسبات و تعاملات جدید ایران و آمریکا بعد از انقلاب، به منازعات و چالش‌های دو سویه و متقابلی انجامید که تا به امروز تداوم یافته است. شکل و ماهیت مناسبات منازعه‌آمیز میان دو کشور در طول مدت بیش از سه‌دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، متغیر و متفاوت بوده است. از رویارویی‌های سخت و شیوه‌های عربان تا شیوه‌ها و راه‌های نرم و غیر ملموس در تجربه مناسبات در روابط دو کشور، وجود داشته است. به نظر می‌رسد به جز مواردی نظیر تهدید نظامی ایران در مقاطع مختلف از جانب آمریکا، عملیات منجر به توفان صحرائی طبرس، حمایت مستقیم از جنگ عراق علیه ایران و کمک‌های فراوان نظامی و اطلاعاتی به عراق، حمله به هواپیمای مسافری ایرباس ایران و کمک در عملیات‌های ترور و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران و ...؛ عمده مواجهات و روابط ایران و آمریکا، حول مجادلات فرهنگی، نرم و رویارویی‌های ایدئولوژیک و غیر خشونت‌آمیز طراحی شده است.

آمریکایی‌ها در طول تجربه خود از عملکرد و ماهیت عقیدتی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران - در طول حیات کوتاه خود تا به امروز - به این نکته مهم وقوف پیدا کرده‌اند که ماهیت، چیستی، سرمایه و دارایی و در عین حال توان و قدرت ایران، معطوف به داشته‌ها، توانمندی‌های نرم، فرهنگی و ارزشی بوده و از

1. Nation State.

این زاویه، منافع غرب و آمریکا را به چالش می‌کشد. ایالات متحده با درک این مسئله، رویارویی‌ها و مناسبات خود علیه جمهوری اسلامی را به شکل مقابله به مثل و مبتنی بر شکل برخورد ایران طراحی کرده و به اجرا می‌گذارد. این سیاست که می‌توان آن را دیپلماسی فرهنگی نامید، بعد از شرایط جنگ و مشخصاً از اواسط دهه هفتاد شمسی به بعد در کانون توجه آمریکاییان قرار گرفته و در سال‌های اخیر به صورت آشکار و علنی در قالب قدرت نرم و مواجهه فرهنگی و آرام‌پیگیری می‌شود. در ادامه ضمن تشریح جنگ و قدرت نرم و شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن، به ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و اشکال مختلف فرهنگی این مواجهه که به نظر نگارنده، جمهوری اسلامی ایران، متقدم بر ایالات متحده، آغازگر این رویارویی بوده است اشاره خواهد شد.

قدرت نرم؛ چیستی، اشکال

قدرت، از کلیدی‌ترین مفاهیم و اصطلاحاتی است که در حوزه مسائل انسانی و اجتماعی به کار گرفته شده و مورد بحث و فحص بوده است. در حوزه معارف دینی یکی از اسماء و صفات الهی، قدرت و قادر بودن خداوند است. خداوندی که در معرفت دینی و اسلامی، قدرت مطلق بوده و قدرتش مافوق تصور این جهانی و زمینی است. در آیات مختلف نیز به قدرت الهی تأکید شده و بیان می‌شود که «هو علی کل شیء قدیر». (مائده / ۱۲۰)

بیش از هر حوزه‌ای به نظر می‌رسد که در حوزه دانش سیاسی، بتوان قدرت را تعریف کرد. قدرت از موضوعات محوری و شاید شالوده اصلی دانش و علم سیاست است. (لوکس، ۱۳۷۰: ۲۰۶ و ۲۰۷) دوروزه، قدرت را «امکان تحمیل اراده فرد بر رفتار جمعی دیگر» (دوروزه، ۱۳۵۴: ۲۰) تعریف می‌کند. گالبرایت، این مفهوم را «توانایی واجد قدرت برای وادار کردن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی» (گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۳) می‌داند. در هر صورت قدرت را متشکل از مجموعه‌ای از منابع و ابزارهای مختلف اعم از ابزارهای اجبارآمیز، تهدیدآمیز و خشن و در عین حال ابزارهای غیر اجبارآمیز نظیر تطمیع، تشویق و ... می‌توان دانست که افراد و حکومت‌ها برای تحمیل اراده خود از آنها بهره می‌برند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۳۳) چنین تعریف‌هایی از قدرت اگرچه در عصر مدرن ارائه شده است ولیکن از دیرباز و از آغاز موضوعیت داشته است.

در تاریخ اسلام و در شیوه‌های مقابله کفار قریش با پیامبر اسلام، شاهد به کارگیری ابزارهای مختلف از تشویق و تطمیع و تهدید گرفته تا توطئه قتل حضرت و اعلام مبارزه و تحمیل جنگ‌های مختلف و پی در پی بوده‌ایم. نکته مهم و اساسی در لابه‌لای تعاریف ذکر شده و تعاریف مشابه آن این است که گویی قدرت و رابطه قدرت‌آمیز، حالتی یکسویه و یک طرفه داشته که واجد قدرت با استفاده از ابزارها و منابع مختلف قدرت، آن را علیه فاقد قدرت، با هدف تحمیل اراده خود اعمال می‌کند. تصویر این چنینی از قدرت، در گفتمان کلاسیک و سنتی از قدرت قرار می‌گیرد که فیلسوفانی نظیر توماس هابز در اثر «لویاتان» و یا ماکیاوول در کتاب «شهریار» بدان اشاره نموده بودند.

در تعاریف جدید و فرا مدرن از قدرت که میشل فوکو از قائلان آن بوده و در انقلاب اسلامی ایران، کاربرد

عملی آن را به اثبات می‌رساند، قدرت به ملکیت و مالکیت شخص، گروه یا دولتی در نمی‌آید. در دیدگاه فوکو، چه بسا قدرت‌های پراکنده و حاشیه‌ای بتوانند علیه قدرت آشکار و عریان و خشن که در دستان حاکمان و قدرتمندان هستند، مقاومت کرده و آنها را به زانو در آورند. فوکو، رویارویی و مواجهه قدرت سخت پهلوی دوم با قدرت نرم انقلابیان سال ۱۳۵۷ را تصویر کرده و پیروزی قدرت نرم و فرهنگی و ارزشی را بر قدرت سخت و نظامی تحت شرایط خاص، تشریح و تبیین می‌کند. (شاگری خوئی و اسمعیل زاد، ۱۳۸۹: ۱۴۶ - ۱۴۱)

کارل مارکس، در ضمن بیان خود از اشکال و انواع ابزارهای قدرت حاکمان و طبقه فرادست، به قدرت‌های سخت و نرم اشاره نمود. بر همین اساس می‌توان در اعصار مختلف، اشکال کارساز سخت و نرم قدرت را شناسایی کرد. در دهه‌ها و سال‌های اخیر، شکل و ماهیت قدرت از حالت سخت به شکل نرم تغییر چهره داده است. قدرت سخت که آن را در مقابل قدرت نرم به کار می‌گیرند، استفاده از ابزارهای سخت، خشن، عریان و ملموس به منظور تحمیل اراده است. استفاده از قدرت و توان نظامی و امنیتی در قالب جنگ و تهدیدهای نظامی از مصادیق جنگ و قدرت سخت است. قدرت سخت بر فشار، اجبار و زور تکیه داشته و از طرف کسی که مورد فشار قرار گرفته، مقاومت و عمل مقابله به مثل را باعث خواهد شد. میدان و صحنه نبرد و اعمال قدرت سخت، فیزیکی و مشخص بوده و در منطقه عملیاتی و نبرد نمود خواهد داشت. جنگ سخت و اعمال قدرت سخت به واسطه کارگزاران خاص خود که سربازان، افسران، نظامیان، دولتمردان و سیاستمداران باشد صورت می‌پذیرد.

در مقابل شکل سخت قدرت^۱، از قدرت نرم^۲ و قدرت هوشمند^۳ و مرکب نیز می‌توان سخن گفت. قدرت هوشمند به حاصل جمع و سنتز قدرت سخت و نرم اطلاق می‌شود. (نای، ۱۳۸۷: ۲۹) با این بیان، حتماً و ضرورتاً تعارض و تضادی، میان قدرت سخت و نرم وجود ندارد. برای ابرقدرت شدن و یا برای افزایش قدرت در صحنه جهانی و در حال حاضر، کشوری قدرتمند خواهد بود که به گونه‌ای مرکب و توأم از هر دو شکل قدرت (نرم و سخت) به صورت ظریف و به جا بهره‌مند بوده و به موقع از آنها استفاده کند. اصطلاح و واژه قدرت نرم اگرچه به ظاهر نوظهور و جدید می‌نماید ولیکن از دیر باز و از آغاز خلقت به لحاظ مفهومی و محتوایی وجود داشته است. در میان فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و ملل مختلف به ابعاد غیر ملموس و نرم قدرت توجه شده است. گفتگوی کنفوسیوس و لائوتزه درباره معنای تائو در ۲۵۰۰ سال پیش شاهدهی بر این ادعاست. (محمدی، ۱۳۸۷: ۲۴)

دین مبین اسلام و تجربه حضرت محمد ﷺ نیز یکی از نمونه‌های بی‌نظیر قدرت نرم است. دین اسلام با برنده‌ترین ابزار، سلاح و قدرت نرم خود یعنی برهان قاطع الهی (قرآن مجید) به مقابله با صاحبان زر و زور

1. Hardpower.
2. Soft Power.
3. Smart Power.

(قدرت سخت) و تزویر در طول تاریخ رفته و آنان را به تحدی می‌خواند. قرآن کریم را مهم‌ترین مظهر قدرت نرم مسلمانان می‌توان قلمداد کرد که به جاذبه الهی خود عقل‌ها و دل‌های سلیم را به تبعیت و خضوع وا می‌دارد. در عصر حاضر اصطلاح قدرت نرم در کتابی با همین عنوان (Nye: 2004) توسط جوزف نای برجسته شد. وی قدرت نرم را متفاوت از قدرت سخت دانسته و آن را مبتنی بر اقناع و ترغیب می‌داند. در این شکل از قدرت، رابطه‌ای تعاملی و دو سویه^۱ بین عامل و موضوع قدرت ایجاد می‌شود. در این ارتباط دو سویه، عامل قدرت بدون بهره‌گیری از ابزارهای اجبارآمیز، خشن و تهدید^۲ از ابزار متقاعد کردن^۳ و جاذبه خالص^۴ استفاده می‌نماید. (Keohan and Nye, 1998: 4)

نای معتقد است امروزه و در عصر جهانی شدن و عصر جهانی اطلاعات و ارتباطات و با تغییر شکل جهانی قدرت، قدرت نرم از اهمیت فزون‌تری نسبت به سایر منابع و اشکال قدرت برخوردار خواهد بود. (نای، ۱۳۸۷: ۷۸ و ۷۹) در بیان دیگر: «قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتار یا موجودیت دیگر کشورها اثر می‌گذارد». (رنجبران، ۱۳۸۸: ۲۸)

نای ضمن اشاره به منابع قدرت نرم، از سه منبع اصلی قدرت نرم هر کشور سخن می‌گوید: ۱. فرهنگ ۲. ارزش‌های سیاسی ۳. سیاست خارجی آن کشور. (نای، ۱۳۸۷: ۵۱) کشور قدرتمند و واجد قدرت نرم، با استفاده از قدرت اقناع‌کنندگی و ایجاد جذابیت به شکل روانی، ذهنی و رفتاری، کشورهای هدف را وادار و تشویق و ترغیب خواهد کرد که الگوی آنها را بپذیرد. کسی یا دولتی که ابژه^۵ و موضوع اعمال قدرت نرم قرار گرفته، به صورت ارادی، داوطلبانه و اختیاری، شیفته و مفتون قدرتمند قرار گرفته و به صورت تدریجی و آرام به تبعیت و پذیرش گفتمان و پارادایم کشور قدرتمند در می‌آید.



از جمله خصائص و ویژگی‌های قدرت نرم، پوشیده، غیر ملموس و در حجاب بودن عامل قدرت است. در این شکل از قدرت و جنگ، میدان نبرد، مرئی، فیزیکی و مشخص نبوده و همه جا و همه مکان عرصه رویارویی است. در منزل، دانشگاه، اداره، وسایل حمل و نقل عمومی و ... و در فضای مجازی و واقعی شاهد

1. Interactionn.
2. Coercion.
3. Co-optive power.
4. Pure Attraction.
5. Object.

نبرد و اعمال قدرت می‌باشیم. جنگ رسانه‌ای^۱ که یکی از برجسته‌ترین اشکال تهدید و جنگ نرم می‌باشد، امروزه از ابزارهای مهم اعمال قدرت نرم تلقی می‌شود. جنگ رسانه‌ای که در زمان جنگ و صلح به کار می‌رود «جنگ بدون خونریزی، جنگ آرام و جنگ بهداشتی و تمیز تلقی می‌شود، جنگی که بر صفحات روزنامه‌ها و میکروفون رادیوها، صفحات تلویزیون‌ها و عدسی دوربین‌ها جریان دارد ... هدف جنگ رسانه‌ای ... به طور ملموسی به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد.» (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۱۳)

در جنگ و قدرت نرم، با استفاده از عملیات روانی و تبلیغات اطلاعاتی و خبری، بمباران علیه ذهن، باور و نگرش افراد و دولت‌ها صورت می‌پذیرد. کارگزاران و عاملان تهدید و در عین حال اهداف و مراکز تهدید، سازمان‌ها، نهادها و بخش‌های علمی، فرهنگی، دانشگاهی و ... هستند.

ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، شامل تولیدات هنری اعم از موسیقی، سینما، تئاتر و یا دستاوردهای ورزشی و تفریحی و یا مراکز علمی، دانشگاهی و پژوهشکده‌ها و ... از ابزارهای قدرت نرم می‌باشند. سبک و سیاق زندگی اجتماعی و مدنی هر کشور نیز می‌تواند در صورت جذابیت و قدرت جذب‌کنندگی، تبدیل به قدرت نرم باشد. به عنوان مثال، امروزه آمریکا سعی دارد شیوه زندگی به سبک آمریکایی^۲ را که ریشه در فرهنگ و باور جامعه آمریکایی دارد به عنوان الگو و سبکی موفق برای کشورهای مختلف جهان و خصوصاً مسلمانان خاورمیانه نمایش دهد.

ارزش‌های سیاسی هر کشور، به نرم‌ها^۳ هنجارها و باورهای عقیدتی، ایدئولوژیک و سیاسی هر کشور مربوط می‌شود. چنین ارزش‌های داخلی، اگر بتواند مقبولیت و محبوبیت جهانی و بین‌المللی داشته باشد، قدرت و توان نرم کشورها را افزون خواهد کرد. دموکراسی، لیبرالیسم و سرمایه‌داری، اسلام‌گرایی، فرهنگ شهادت و ایثار، مارکسیسم و عدالت‌طلبی و ... همگی ارزش‌های داخلی و ملی است که با پذیرش فراملی، می‌تواند مظهر قدرت نرم برای کشورهای حامل این ارزش‌ها و ارزش‌هایی مشابه آن باشد. دیپلماسی فعال، مشارکتی و توأم با احترام متقابل و در عین حال پرهیز از یکجانبه‌گرایی در عرصه مناسبات منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند با مثابه سرمایه‌ای عمومی و در راستای دیپلماسی عمومی تلقی شود.

دولت‌هایی که با گذر از دیپلماسی صرفاً سنتی و تأکید بر نقش تعامل و روابط دولت با دولت به سمت ارتباط با بازیگران غیر دولتی، افکار عمومی ملت‌ها و نهادها و سازمان‌های جهانی و مردم‌نهاد حرکت کنند، در حقیقت واجد قدرت نرم بوده و توان خود را در این حوزه افزایش می‌دهند. قدرت نرم، طی یک پروسه طولانی مدت و براساس اعتماد ایجاد خواهد شد. اعتماد را شاید بتوان پیش شرط و پیش‌زمینه قدرت نرم تلقی

-
1. Media War.
 2. The American Way of Life or The American life Style.
 3. Norm.

کرد. در ادامه گفتار حاضر ظرفیت‌های سه‌گانه قدرت نرم و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در مواجهه با همدیگر، مورد بحث و نهایتاً ارزیابی قرار خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی ایران؛ قدرت نرم، ظرفیت‌های فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران بدون تردید یکی از انقلاب‌های بزرگ مردمی در طول تاریخ انسانی است. (Cottam, 1989: 168) جمهوری اسلامی ایران، نظامی سیاسی و حقوقی برآمده از تحولی سیاسی و فرهنگی به نام انقلاب اسلامی و محصول آن می‌باشد. به اعتقاد نگارنده، هم ایران و هم ایالات متحده، در دهه‌های اخیر، رویارویی دیپلماتیک خود را عمدتاً بر محور قدرت نرم و مجادلات فرهنگی متمرکز کرده و از ظرفیت‌های موجود خود و حریف، علیه همدیگر استفاده می‌کنند. از جمله پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با قدرت نرم عبارتند از:

۱. انقلاب اسلامی

انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران یکی از زلزله‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ در قرن بیست بود که ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی عظیمی را در برداشت. انقلاب ایران را در زمره انقلاب‌های بزرگ می‌توان قلمداد کرد؛ چراکه دامنه تأثیرات آن و مفاهیم و ادبیاتی که وارد حوزه فکری و معرفتی کرد، در ادبیات سیاسی و فکری مسبوق به سابقه نبود. این انقلاب که از آن به «انقلاب به نام خدا» نیز تعبیر شده است، جهان آن روز را شوکه کرد. قدر مشترک و وجه اشتراک دیدگاه‌های مختلف در چرایی وقوع و ماهیت این انقلاب، اهمیت فرهنگ، ایدئولوژی، مکتب و اندیشه دینی در تحولات سیاسی، اجتماعی و در حوزه عمومی است.

میشل فوکو در دیدگاه خود نسبت به انقلاب ایران، اذعان می‌کند که ایرانیان در عصر مدرن و سکولار، رؤیای بازگشت به اخلاق، معنویت و دین را در سر می‌پروراندند. فوکو این گم‌شده (معنویت) را «جستجوی آن چیزی (می‌داند) که ما غربی‌ها امکان آن را پس از رنساس و بحران بزرگ مسیحیت از دست داده‌ایم». (فوکو، ۱۳۷۷: ۴۲) فوکو انقلاب ایران را به مثابه «روح یک جهان بی‌روح» (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۵) می‌داند. به جز فوکو، دیگر نظریه‌پردازان و تئوریسین‌های انقلاب نظیر تدا اسکاچ پل، جان فوران، نیکی کدی، سعید امیر ارجمند، حامد الگار و ... به نقش باورهای دینی - شیعی و رهبری مذهبی و دینی و در یک کلام، اهمیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران اشاره داشته‌اند. (شاگری خوئی و احمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰ - ۸۵)

ماهیت مذهبی و دینی انقلاب اسلامی، به عنوان الگو، مدل و پارادایمی در مسئله حکومتداری و شکل نظام سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب ایران با محتوای دینی خود، به دنبال ارائه بدیلی برای گفتمان‌های مارکسیستی - سوسیالیستی و لیبرال دموکراسی تلقی می‌شود. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران، وقوع آن در اوج نزاع و جنگ ایدئولوژیک میان دو اردوگاه و نظام معرفتی - سیاسی

غرب لیبرال و شرق کمونیست بود. راه سوم و جدیدی که در انقلاب ایران مطرح شد و جاذبه و گیرایی خود را در جهان اسلام و کشورهای جنوب مطرح کرد، پتانسیل مذهب و دین برای مبارزات رهایی‌بخش و اداره حوزه عرفی و اجتماعی بود. این الگو نه تنها در میان جنبش‌های اسلامی خاورمیانه و آفریقا، حتی در آمریکای لاتین به عنوان حیات خلوت آمریکا نیز گیرایی داشت. الهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین با الهام از انقلاب دینی و رهایی‌بخش ایران شکوفا شد. (منوچهری، ۱۳۸۱: ۵۴)

بحث صدور فرهنگی، ارزشی و نظری انقلاب، با قدرت نرم ناشی از آرمان‌ها و ارزش‌های مذهبی و دینی، منافع غرب و خصوصاً ایالات متحده آمریکا را به چالش کشید. امانوئل والرشتاین «خمینیزم» را تهدیدی علیه منافع غرب و آمریکا تلقی می‌کرد که با رویکرد آرام، و ایدئولوژیک، هم‌گفتمان غرب‌گرایانه و هم منافع اقتصادی و سیاسی غرب را خصوصاً در منطقه ژئوکالچرال و ژئواکونومیک خاورمیانه به مبارزه و چالش می‌طلبد. (شاکری خوئی و احمدزاده، ۱۳۹۰: ۷۰)

منوچهر محمدی، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی - به عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی - را ماخوذ از ارزش‌ها و باورهای الهی و دینی دانسته و در چند مورد احصا می‌کند. به نظر وی، عنایت و امداد غیبی و الهی، حمایت و پشتیبانی مردمی، موهبت ولایت و امامت و رهبری، شهامت و شجاعت ملت، استقامت و پایداری و صبر ملت، روحیه سازش‌ناپذیری، تکلیف‌محوری و ادای وظیفه در مقابل اوامر الهی، مدیریت هوشمندانه و مدبرانه و اخلاق‌محور در سیاست، از اهم منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۱ - ۲۷)

۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی‌اش را بر مبنای ارزش‌های دینی و اعتقادی ماخوذ از فرهنگ اسلامی و دینی استوار ساخت. اصول و قاعده‌های قرآنی و دینی، نظیر قاعده نفی سبیل، دعوت، عزت و اعتلای اسلام و مسلمانان^۱ و ... شالوده‌های سیاست خارجی ایران، بعد از انقلاب را شکل می‌دادند. این قاعده‌ها و شیوه‌ها، هم نظریه‌پردازان سیاست خارجی را به تأمل واداشته و هم در میان افکار عمومی و ملت‌های مسلمان، نوعی خودآگاهی و بازگشت به میراث فرهنگی - عقیدتی فراموش شده و مغفول خود ایجاد کردند.

سیاست عدم مداخله، استقلال سیاسی، فکری و اقتصادی در تعامل با دولت‌ها و کشورهای خارجی، رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی، اقتدار و صلابت حکیمانه و عاقلانه در مواجهه با فشارهای بیرونی و نگاه امتی و در عین حال ملی و ... همگی اصول بنیادین در سیاست خارجی جمهوری

۱. الاسلام یعلوا و لایعلی علیه.

اسلامی بود که با دارا بودن پشتوانه‌های اعتقادی، بومی و ارزشی، تبدیل به جاذبه و الگو برای ملت‌ها و افکار عمومی کشورهای اسلامی شد.

ارائه چنین الگوهایی که در تقابل با ارزش‌های لیبرال دموکراسی و سرمایه‌داری غرب و آمریکا تلقی می‌شد، رویارویی و مواجهه قدرت نرم ایران در مقابل آمریکا بود. دامنه و گستره این الگوها و اصول سیاست خارجی، محدود به کشورهای اسلامی نبود. در کشورهای آمریکای لاتین نیز احساسات ضد آمریکایی، ضد سرمایه‌داری و ضد ارزش‌های مصرفی و سکولار آمریکایی، منافع ملی آمریکا را با تهدیدی جدی روبه‌رو ساخت.

تأکید بر ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و بومی نظیر مقاومت، شهادت، ایثار، نفی سلطه و ذلت‌ناپذیری و ... همگی، ارزش‌های سیاسی نرمی است که اگر بتواند مقبولیت فرا ملی پیدا کند، قدرت نرم کشورهای مطرح کننده این ارزش‌ها را افزایش خواهد داد. با اندک تأمل در اتفاقات و حوادث اخیر خاورمیانه، می‌توان رد پای این ارزش‌ها را جست. بیداری اسلامی، گفتمان اسلام انقلابی، سیاسی و مبارزه‌جو را در تحولات خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. البته این گفتمان که منادی آن ایران و انقلاب اسلامی ایران است، در کنار سایر گفتمان‌ها و ارزش‌های سیاسی و فرهنگی، در حال منازعه و کشمکش گفتمانی برای غالب شدن است.

در حوادث و اعتراض‌های دومینویی در کشورهای خاورمیانه نظیر تونس، مصر، یمن، لیبی، بحرین و ... شاهد رویارویی و مواجهه گفتمان و قدرت نرم غرب‌محور و آمریکایی با گفتمان و قدرت نرم اسلامی و انقلابی هستیم. به گونه‌ای که ملت‌های مسلمان و عربی، یکی از الگوهای خود را انقلاب ایران و اسلام‌گرایی می‌دانند. اخوان المسلمین در مصر، النهضه و راشد الغنوشی در تونس، شیعیان بحرین و عراق، گروه‌های حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، حزب‌الله لبنان، سوریه و سایر جریان‌های اسلامی که امروز، در خاورمیانه به عنوان بازیگران قدرتمند در میان افکار عمومی ملت‌ها و دولت‌ها محسوب می‌شوند، از الگوی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، تأثیر پذیرفته‌اند. البته بحث از میزان تأثیرپذیری نیست بلکه سخن از اصل و واقعیت تأثیرپذیری است. واقعیتی غیر قابل انکار است که ایران توانسته، خارج از گفتمان غربی و آمریکایی، حامل ارزش‌های نوین و منحصر به فردی در منطقه باشد.

مشابهت‌های فراوانی را میان الگوی انقلاب اسلامی و ارزش‌های سیاسی در ایران زمان انقلاب با حرکت‌های خاورمیانه امروز می‌توان مشاهده کرد. ماهیت ضد استبدادی و ضد استعماری این حرکت‌ها، یاد آور حرکت‌های انقلابی در ایران سال ۱۳۵۷ است. در انقلاب ایران ایام و پایگاه‌های فرهنگی - ارزشی چون مساجد، میادین مهم، جمعه‌ها و ایام مذهبی خاص چون محرم، عاشورا و نیز ابزارهایی چون اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های امام، نوار کاست‌ها و شعارهای انقلابی، چون مظاهر و ابزارهای قدرت نرم و پراکنده بود که افراد و توده‌های انقلابی را به هم متصل می‌کرد. مشابه این شیوه‌ها و تاکتیک‌های انقلابی را در حرکت‌های انقلابی و اعتراضی در کشورهای عربی خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. سخنرانی عربی آیت‌الله خامنه‌ای در

خطبه‌های نماز جمعه تهران خطاب به ملت و جوانان معترض مصر، در میدان التحرير، با فاصله چند دقیقه در میان معترضان بلوتوث می‌شد. جمعه‌ها و نمازهای جمعه به عنوان میعادگاه معترضان برای تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها، اعلام می‌شد.

این الگوها، نشأت گرفته یا تحت تأثیر قدرت نرم ایران ارزیابی می‌شود که بزرگ‌ترین شکست و فشار سیاسی را بر آمریکا، اسرائیل و غرب وارد می‌کند. البته نگارنده معتقد نیست که تأثیر فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی به عنوان تنها متغیر موجود در بروز و شکل‌گیری خیزش‌های عربی در خاورمیانه است. اما قابل کتمان نیست که موج فرهنگی ناشی از انقلاب ایران چه در مقطع بروز این حادثه و چه در حال حاضر، برای بخشی از نیروهای اجتماعی و فکری در منطقه خاورمیانه جذاب بوده است.

۳. زبان پارسی و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی

تمدن ایران قبل از اسلام، با دارا بودن عناصری فرهنگی و ارزشی، آثار و ابنیه فراوان باستانی، از عقبه‌ای کهن و تاریخی - فرهنگی حکایت می‌کند. قدمت و سابقه طولانی ایران حامل یکسری ارزش‌های هویتی مشترک بوده و هست که علی‌رغم وجود تنوع و تکثر موجود، پیوند دهنده اقوام و ملت‌های گوناگون است. به بیان دیگر یک سری ارزش‌های ایرانی قبل و بعد از اسلام، ارزش‌های فراملی بوده و علایق همگرایانه‌ای را می‌تواند در میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه ایجاد کند. وقتی از ایران فرهنگی - نه جغرافیایی - سخن به میان می‌آید، قلمرو بسیار گسترده جغرافیایی را از غرب چین و شبه قاره هند گرفته تا کشمیر، افغانستان و از آنجا آسیای مرکزی تا قفقاز و حوزه مدیترانه و از غرب و جنوب به سواحل خلیج فارس و عراق را در بر می‌گیرد.

عید نوروز و مراسم باستانی تحویل سال در بهار طبیعت از مظاهر فرهنگی و تمدنی ایران باستان است. این مراسم سنتی و تاریخی که میراث ایرانیان می‌باشد در کشورهای مختلف ذکر شده، مرسوم و جاری بوده و یادآور هویت منسجم، واحد و تاریخ و عقبه مشترک است. عید نوروز به دلیل اهمیت جهانی آن، توسط سازمان یونسکو نیز به رسمیت شناخته می‌شود. چنین علائق و الگوهای فرهنگی و تاریخی، می‌تواند همچون ظرفیت بالایی برای افزایش توان و قدرت نرم ایران در آسیا و منطقه باشد. جدای از چنین آداب و سنن تاریخی، به میراث علمی، نظری و خصوصاً ادبی ایران می‌توان اشاره داشت. زبان فارسی و ادبیات شیرین، حکمت‌آموز و بی‌نظیر پارسی که در بردارنده مفاهیم متعالی بشری و جهانی است، پیوند دهنده و پتانسیلی بسیار قوی برای قدرت فرهنگی و ارزشی ایران محسوب می‌شود.

وجود کشورها، اقوام و افراد فارسی‌زبان در آسیا و پراکندگی شعرا و عرفای بزرگ ایرانی فارسی‌زبان، می‌تواند نشان از عظمت، نفوذ و قدرت فراوان ایران داشته باشد. شعرا و حکمای بزرگی چون سعدی، عمر خیام، مولوی، حافظ، ابن‌سینا، فارابی، رازی و ... نشان از قدرت و توان نرم‌افزاری و غنای علمی، فرهنگی و ارزشی ایران دارد. این متفکران و نوایح، فارغ از نگاه ملی، منطقه‌ای، اسلامی و مذهبی، میراث مشترک بشری

تلقی می‌شوند. آثار، گفته‌ها و دیدگاه‌های آنها نزد سایر ملل، گاهی شناخته‌شده‌تر نسبت به هم‌وطنانشان است. متأسفانه، ما از وجود چنین ذخائر بی‌نظیر قدرت نرم که در حد جهانی قابلیت تأثیرگذاری دارند، کم‌ترین بهره و استفاده را می‌بریم. در مقابل ارزش‌ها و فرهنگ غربی - آمریکایی، ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی و ایرانی می‌تواند بدیلی اثرگذار و جذاب باشد.

۴. سایر ظرفیت‌ها

ایران به لحاظ جغرافیای فرهنگی، در منطقه مهم و اثرگذار خاورمیانه قرار گرفته است. این منطقه، قبله‌گاه ادیان ابراهیمی، محل تجمع تمدن‌های با سابقه بشری، امپراتوری‌های بزرگ، محل اتصال سه قاره بزرگ و اثرگذار جهانی، محل وجود تنگه‌ها، آبراه‌ها و گذرگاه‌های بین‌المللی و جهانی و نیز وجود منابع سرشار و غنی انرژی و زیرزمینی است. اهمیت سرشار ایران برای قدرت‌های بزرگ جهانی در طول تاریخ، عمدتاً به این دلایل بر می‌گشت.

از جانب دیگر به لحاظ صنعت توریسم و قابلیت‌های گردشگری، ایران می‌تواند به عنوان یکی از قطب‌های مطرح در این مقوله در سطح جهانی مطرح شود. وجود جاذبه‌های طبیعی (دریا، جنگل، کوهستان، کویر، سواحل و جزایر بی‌نظیر)، آثار تاریخی - فرهنگی و تمدنی (تخت جمشید، پاسارگاد، آثار بی‌نظیر اسلامی - ایرانی اصفهان و ...) و نیز جاذبه‌های مذهبی (حرم امام رضا، حضرت معصومه، دانیال‌نبی و ...) می‌تواند از ایران یک قدرت فرهنگی و اجتماعی بسازد. جوزف نای با اشاره به غذاها و رستوران‌های چینی و آسیایی به عنوان منبع قدرت نرم، (نای، ۱۳۸۷: ۱۶۶ و ۱۶۷) اهمیت آنها را خاطرنشان می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تنوع پوشاک و خوراک و مراسم قومی، مذهبی، نژادی در مناطق مختلف ایران، می‌تواند ارزش‌های خود را تبدیل به جاذبه و قدرت کند.

در سال‌های بعد از انقلاب، فیلم‌ها و سینمای اخلاقی، مذهبی، ارزش‌گرا و در عین حال انسانی ایران توانسته است، به عنوان قدرت فرهنگی و ارزشی ایران در منطقه مطرح شود. ساخت سریال‌هایی نظیر امام علی، ولایت عشق، مختارنامه، یوسف پیامبر و ... و پخش و گسترش آن در منطقه و در سطح بین‌المللی، الگویی موفق از قدرت فرهنگی و نرم ایران در منطقه و گاه جهان، ایجاد کرده است. اگر یکی از ابزارهای قدرت فرهنگی آمریکا، محصولات فرهنگی و هنری تولید شده در هالیوود است، ایران نیز در مقابل می‌تواند با استفاده از رسانه، سینما و تولیدات هنری و فرهنگی معناگرا و اخلاقی خود، برای گسترش قدرت نرم خود تلاش کند.

در کنار قابلیت‌های ذکر شده می‌توان به پدیده انقلابی به نام بسیج نیز اشاره داشت. بسیج مستضعفین که با فرمان امام خمینی بعد از انقلاب تشکیل شد به عنوان یکی از مظاهر قدرت نرم ایران می‌تواند مطرح شود. بسیج را می‌توان به عنوان پدیده‌ای در راستای سرمایه اجتماعی^۱ تلقی کرد. «سرمایه اجتماعی» اصطلاحی

1. Social Capital.

است که به طور عمده و انبوه از دهه نود میلادی در ادبیات و متون اقتصادی مطرح شد. البته این مفهوم فراتر از حوزه صرفاً اقتصادی، در دیگر حوزه‌ها نیز کاربرد دارد. مقصود از این اصطلاح، رابطه میان افراد است که عملکردها را تسهیل می‌کند و بر این اساس بهره‌وری فعالیت‌ها، افزایش و آسان می‌شود. در واقع، سرمایه اجتماعی نوعی کالای عمومی است که بین جامعه و گروه‌ها تقسیم و توزیع می‌شود. (Coleman, 1988) سرمایه اجتماعی مبتنی بر ظرفیت مردم و اقشار و اصناف مردمی صورت می‌پذیرد. چیزی که در انقلاب مردمی ایران به عنوان یک اصل و مینا مورد توجه بوده و هست. پدیده‌ها و مسائلی نظیر: اعتماد، علاقه‌مندی، ظرفیت ایجاد هماهنگی، همکاری و تعاون از جمله شاخصه‌ها و اصول سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود. (Solow, 1956)

با اندک تأمل در ماهیت و سرشت بسیج مستضعفین و عملکرد آن در دوران دفاع مقدس و بعد از آن، می‌توان به قدرت نرم این ظرفیت در قالب سرمایه اجتماعی توجه کرد. بسیج به عنوان نیروی خودجوش، مردمی و ارزشی که حول یکسری باورها و اعتقادات ارزشی و فرهنگی تشکیل شده است، می‌تواند کارکردهای مختلف دفاعی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی را از خود به نمایش بگذارد. در کنار کارکردهای امنیتی، کارویژه‌های وحدت‌آفرین و یکپارچه‌سازی ملی و ارزشی، رابطه دولت و ملت در ایران به واسطه این سرمایه، چسبنده و نزدیک می‌شود. این کارویژه به تحکیم پایه‌های قدرت حکومت و توان ملی دولت منجر خواهد شد. به واسطه پدیده بسیج، انتقال ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های انقلاب و حکومت در لایه‌های مختلف جامعه و خصوصاً در اقشار جوان و نوجوان میسر خواهد شد. این پتانسیل، چون سپری مقاوم و در عین حال نرم در مواجهه با هجوم قدرت نرم غرب و آمریکا عمل خواهد کرد. توان و ظرفیت بسیج‌گری و مشارکت مردمی به واسطه قدرت نرم و سرمایه اجتماعی بسیج، در عرصه‌های مختلف نظامی، سیاسی، عقیدتی و ... می‌تواند استفاده از پتانسیل نرم بسیج در مقابله با قدرت‌های نرم غرب و آمریکا تلقی شود.

ایالات متحده آمریکا؛ قدرت نرم

ایالات متحده آمریکا، به طور جدی و عملی، در جنگ جهانی اول و خصوصاً جنگ جهانی دوم به عرصه جهانی ورود پیدا کرد. ورود آمریکا به تعاملات جهانی، ورودی فاتحانه و مقتدرانه بود. آمریکا که بعد از سپری کردن فرآیند طولانی مدت انزوا و تحکیم پایه‌های اقتصادی، صنعتی و نظامی خود وارد مدیریت جهان شد، توانست خود را به عنوان یک ابرقدرت عرضه کند. آغاز روابط رسمی ایران با آمریکا به عصر ناصرالدین شاه بر می‌گردد و لکن رابطه همه جانبه و یک‌سویه این کشور با ایران، در عصر پهلوی دوم شکل گرفت. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، روابط ایران و آمریکا در عصر پهلوی دوم به رغم حسنه و دوستانه بودن، عمدتاً به صورت یک‌جانبه و یک‌طرفه، به نفع آمریکا بود. مارک گازبورسکی در تحلیل خود از مناسبات ایالات متحده آمریکا و

ایران در عصر پهلوی، سیاست خارجی ایران را تقلید و تحشیه‌ای از منویات و سیاست خارجی آمریکا می‌دانست. به اعتقاد وی، رابطه یک‌طرفه و وابستگی شاه به آمریکا در اتخاذ سیاست‌های مختلف، زمینه‌ساز و علت اصلی انقلاب اسلامی ایران بود. (گازیورسکی، ۱۳۷۱)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا و غرب در شوک و اغمای سیاسی بزرگی فرو رفت. منافع استراتژیک آمریکا در ایران و منطقه مهم خاورمیانه و جهان اسلام که با بحران رژیم اسرائیل نیز گره خورده بود، از دست رفته پنداشته می‌شد. علاوه بر از دست رفتن منافع عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی - امنیتی آمریکا، انقلاب و جمهوری اسلامی، بانی و باعث گفتمان و شرایطی بود که منافع و موجودیت اسرائیل و آمریکا را در منطقه با مخاطرات و بحران‌های عدیده‌ای روبه‌رو می‌ساخت. روابط خصمانه و تهدیدآمیز آمریکا علیه ایران از همان زمان - شروع انقلاب - آغاز شد.

این کشور بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یکی از فاتحان جنگ، با نقش‌آفرینی در مدیریت جهان و مشارکت در شکل‌گیری و ساختارسازی برای سازمان ملل متحد، عملاً خود را به عنوان یکی از مدیران ارشد جهانی معرفی کرد. حضور در میان اعضای دائمی شورای امنیت و دارا بودن حق وتو در سازمانی که مقرش در داخل خاک آمریکا قرار داشته و نمایندگان کشورهای مختلف جهان را در خود پذیراست، یکی از مظاهر قدرت جهانی ایالات متحده در عرصه سیاسی و امنیتی است. بی‌تردید، امروزه ایالات متحده با فاصله زیادی با کشورهای دیگر جهان، به لحاظ کیفیت و کمیت توان نظامی و اقتصادی قرار گرفته است. بر مبنای آماری «تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۰۰، حدود ۳۳ هزار میلیارد دلار بود. از این رقم، حدود ۱۱ هزار میلیارد دلار متعلق به آمریکا، ۴ هزار میلیارد دلار به ژاپن و ۸ هزار میلیارد دلار به اتحادیه اروپا تعلق داشت.» (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۲۴) اگر جهانی‌شدن را عمدتاً بر پایه اقتصاد استوار بدانیم، طبیعی است که آمریکا در این پروسه یا پروژه، بیشترین سهم را برای خود قائل می‌شود.

ابزارها و منابع قدرت نرم آمریکا، صرفاً محدود به حوزه اقتصاد نیست بلکه در این شاخص‌ها خلاصه می‌شود:

۱. جذب مهاجران خارجی؛
۲. صادرکننده محصولات فرهنگی، سینمایی، هنری در جهان با ستارگان عالم موسیقی و فیلم (هالیوود)؛
۳. حضور محققان خارجی در آمریکا؛
۴. دارابودن بیشترین کاربران اینترنت؛
۵. بهره‌مندی از دانشگاه‌های برتر جهانی؛
۶. بیشترین تعداد چاپ کتاب، اختراع و اکتشاف در جهان. (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۹ - ۸۵)

برشماری منابع مختلف قدرت نرم آمریکا، به معنای شکست‌ناپذیری و نبودن نقاط ضعف نیست. طبیعی است

که قدرت‌های بزرگ، آسیب‌ها و چالش‌های بزرگ نیز خواهند داشت. یکی از مشکلات و چالش‌های آمریکا در سال‌های اخیر، کاهش محبوبیت و جذابیت آمریکا در میان افکار عمومی ملت‌های مسلمان و خاورمیانه است. این مسئله در ارتباط با تضاد ارزشی میان فرهنگ غرب و اسلام و تحقیر و اهانت به خاک، سرزمین و فرهنگ و مقدسات اسلامی، است. ایالات متحده آمریکا قدرت و توان نرم خود را در مواجهه با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، بر دو محور کلی قرار می‌دهد که به اختصار به این موارد اشاره می‌شود:

۱. سطح سیاسی

ایالات متحده آمریکا در سه سطح جهانی (بین‌المللی)، منطقه‌ای و داخلی (ایران) علیه ایران اعمال قدرت نرم کرده و درصدد پیشبرد سیاست‌های خود است. در سطح بین‌المللی، به واسطه ابزارهای قدرت خود در سازمان ملل و ارتباط وسیع و گسترده خود با سایر کشورهای قدرتمند و همسو، سعی در نمایش دادن ایران به عنوان کشوری می‌کند که صلح بین‌المللی را به مخاطره انداخته و تهدیدی علیه جهانیان به شمار می‌رود. آمریکا با استفاده از ائتلاف‌ها و مذاکرات با کشورهای قدرتمند، ایران را با عنوان منشأ و آبشخور جریان‌های افراطی و بنیادگرا^۱ در منطقه خاورمیانه و جهان معرفی کرده و چنین وانمود می‌کند که ایران، با ضدیت خود علیه منافع غرب و نظام سرمایه‌داری، از تروریسم و خرابکاری‌های جهانی حمایت می‌کند.

اعلام نام ایران در کنار کره شمالی و عراق به عنوان کشورهای «محور شرارت» از جانب جورج بوش، متهم کردن ایران در حوادث انفجار آرژانتین، وانمود کردن ایران به عنوان مخالف برقراری صلح در خاورمیانه و مابین اعراب و اسرائیل، متهم کردن ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای عربی و مخاطره آمیز جلوه دادن پرونده هسته‌ای ایران ... در راستای تخریب چهره سیاسی ایران در نظام بین‌المللی است.

در سطح منطقه‌ای، ایالات متحده با اتخاذ و به اجرا گذاردن طرح‌ها و سیاست‌هایی نظیر خاورمیانه بزرگ، خاورمیانه جدید و ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی، ایران و اعراب، درصدد به حاشیه راندن و مقابله با توان نرم ایران است. آمریکا، با اتخاذ سیاست‌های ایران‌هراسی در میان کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس، چنین وانمود و القا می‌کند که ایران درصدد بسط و توسعه مدل حکومتی خود و گسترش فرهنگ و اسلام شیعی در منطقه است. طرح بحث هلال شیعی و اسلام رادیکال و تندروی ایرانی و شیعی در راستای تخریب چهره سیاسی و ارزشی ایران تلقی می‌شود. سیاست تجزیه‌طلبی و حمایت از گروه‌های قومی و مذهبی در فراسوی مرزهای ایران، به منظور نمایش چهره ناکارآمد از ایران از جمله اقدامات سیاسی ایالات متحده در منطقه است.

در سطح داخلی، سیاست آمریکا، تلاش برای تغییر ارزش‌های انقلابی و سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی،

تضعیف و تخریب اصول و پایه‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. سعی در تلقین ناکارآمدی حکومت اسلامی و نشان دادن تناقض‌ها و تضادهای این نظام با ارزش‌های مدرنیته در راستای سیاست‌های داخلی آمریکا علیه ایران تعریف می‌شود. حمایت و دامن زدن به تنش‌ها و تعارض‌های قومی، پیگیری سیاست تغییر رژیم و حکومت یا حداقل تغییر رفتار جمهوری اسلامی، از جمله اقدامات مداخله‌گرانه آمریکا، برای مقابله با ایران است.

یکی از اقدامات نوین آمریکا که به شکل نرم و غیر ملموس و در سال‌های اخیر پیگیری شده است؛ تلاش برای براندازی نرم در ایران است. استراتژیست‌های آمریکایی، خود با اذعان به تجربه موفقی که در کشورهای نظیر روسیه، چین و کشورهای تازه استقلال یافته بعد از فروپاشی شوروی داشتند، کاربست این مدل از حرکت‌ها را با عنوان انقلاب خاموش در ایران نیز پیگیری می‌کنند. (Waldman, 1994: 10) این سیاست، با گسترش دیپلماسی عمومی آمریکا طی یک فرآیند چند ساله صورت می‌پذیرد. «گسترش روابط دامنه دار و طولانی‌مدت با افراد کلیدی از طریق بورس تحصیلی، معاملات، آموزش، سمینارها، کنفرانس‌ها و ...» (نای، ۱۳۸۷: ۱۹۷) می‌تواند از جمله فنون و ابزارهای رسوخ و نفوذ در درون کشور باشد.

۲. سطح رسانه‌ای و فرهنگی - ارزشی

اگر فرهنگ را مجموعه باورها، ایستارها و ارزش‌های ذهنی یک جامعه و گروه بدانیم، با تغییر این حوزه زیربنایی، تغییرات دیگر روبنایی را شاهد خواهیم بود. تغییر در شرایط عینی، محصول و معلول تغییر در باورها و ذهن افراد است. ایالات متحده آمریکا به پشتوانه توان فرهنگی، رسانه‌ای، تبلیغی و مالی خود، واقعیت‌های خودساخته و غیر واقعی خود را به گونه‌ای هنری و ظریف و در قالب رسانه و هنر ارائه می‌کند. بمباران تبلیغاتی و ضد ارزشی سیاست‌مداران غربی و آمریکایی، علیه ارزش‌ها و باورهای اعتقادی و در نهایت باورهای فلسفی، سیاسی و اجتماعی، فرصت تأمل، پالایش و دقت نظر را از مخاطب می‌گیرد. این شکل نوین از مقابله و جنگ نرم در سال‌های گذشته و با هشدارهای رهبر انقلاب مبنی بر تهاجم فرهنگی، شبیخون و ناتوی فرهنگی اعلام شده بود. بنا به نظر ایشان:

این تبلیغات فرنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست. آنچه که جدید بود - که ما در این چند سال بر روی آن تأکید کردیم - روش نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریع‌تر و همه گیرتر و همه جایی‌تر بود. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

گروه‌های مرجع و هدف در مقابله فرهنگی، تمام اقشار و اصناف مردم را شامل می‌شود. در این میان نخبگان علمی و دانشگاهی، هنرمندان، جوانان، شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی، مسئولان حکومتی و در کل، عموم مردم جایگاه ویژه و استثنایی دارند.

ابزارها و شیوه‌های نفوذ فرهنگی و اعتقادی در قالب ماهواره‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری، شبکه‌های مختلف سخن پراکنی، سایت‌های اینترنتی نظیر Facebook، Twitter، Youtube و ... همچون اسب تروایی، برای نفوذ آرام و شبانه به مبانی فرهنگی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند. راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای به زبان فارسی و نمایش فیلم‌هایی با محتوای ضد اخلاقی، ضد ارزشی و ترویج فرهنگ سکولار و مصرف‌گرای غرب، در راستای نفوذ فرهنگی و تغییر ذائقه‌ها و باورها صورت می‌پذیرد.

در سال‌های اخیر، سینمای هالیوود در پی ترویج و گسترش پدیده‌ای به نام «اسلام‌هراسی»^۱ و اسلام ستیزی است. البته این اسلام ستیزی با ایران ستیزی نیز ترکیب شده و درصدد تلقین و باوراندن اسلام و ایران به عنوان پدیده‌ای خشن و ضد دنیای جدید است. در پس پرده و عقبه این فیلم‌ها اهانت به پیامبر، قرآن و خشن جلوه دادن آموزه‌های قرآنی، جنسی و شهوانی نشان دادن مسلمانان و ایرانیان، ایستا و متحجر دانستن اسلام و مسلمین، خشن، ستیزه‌جو و تروریست معرفی کردن مسلمانان و در حالت کلی ضد حقوق بشر نشان دادن مسلمین در دستور کار قرار می‌گیرد. اگرچه بنیادگرایان و مسلمانان افراطی و تندرو، بهانه را به دست غربیان می‌دهند، لکن تصویر کلی از اسلام و مسلمین در رسانه‌های غربی با واقعیت فرهنگ و ارزش‌های اصیل اسلامی بسیار فاصله دارد.

رسانه‌ها و پدیده اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی

جنگ و قدرت نرم آمریکا و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان در سال‌های اخیر، در قالب رسانه‌های تصویری و عمدتاً با بهره‌گیری از هنر هفتم و سینما صورت می‌پذیرد. فیلم‌های پر هزینه و غیر واقعی نظیر «هدیه» «از پاریس با عشق»، «بابل»، «پرواز شماره ۹۳»، «پندیا نا جونز»، «کافر»، «سنگسار ثریا»، «۳۰۰» و ... با هدف اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی ساخته می‌شود. در این فیلم‌ها مسئله سکس، خشونت، تبعیض علیه زنان، حمله به قوانین اسلامی، مسئله حجاب و بدن عریان زنان، شهوت و ترور، هرزه‌گی، حمله به نمادهای ارزشی چون لباس روحانیت و چادر و مقدسات و صدها موضوع دیگر به نمایش گذاشته شده و به صورت ظریف و هنری، ذهن و دل مخاطب را نشانه می‌روند.

به عنوان مثال در فیلم سنگسار ثریا، تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی، به طور خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئله حقوق زنان، قوانین حقوقی و جزایی اسلام (قوانین شرعی) و نهادهای انقلابی و سیاسی چون روحانیت در ترکیب و معجونی ناشیانه مورد حمله و هدف قرار می‌گیرند. سازندگان این فیلم، با ایجاد فضای هیجانی، احساسی و غیرواقعی که حتی فرزند ایرانی نیز در قتل فجیع مادر خود نقش ایفا می‌کند، به دنبال

1. Islamophobia.

نشان دادن واقعیت خودساخته خود از ایران‌اند. ارائه چنین فیلم‌ها و نمایش‌های مضحک، صرفاً توسط هالیوود و سرمایه‌های یهودی - صهیونیستی صورت نمی‌پذیرد. برخی از سیاسیان نظیر ویلدرز،^۱ سناتور و نماینده مجلس هلند، با ساختن مستند «فتنه» و حمله مستقیم به آیات قرآن نیز نشان دادند که مقابله فرهنگی و رسانه‌ای با اسلام و ایران، دلایل و انگیزه‌های سیاسی دارد. جایزه دادن به کاریکاتورست دانمارکی که علیه حضرت محمد ﷺ اقدام و فعالیت به اصطلاح هنری کرده بود یا حمایت از کشیش ۵۸ ساله فلوریدایی «تری جونز» به دلیل اهانت به قرآن و پیشنهاد برپایی مراسم قرآن سوزی در سالگرد حادثه ۱۱ سپتامبر و یا حمایت از امثال سلمان رشدی، همگی پشت پرده سیاست‌ها و جنگ نرم جریان رادیکال و حاکم در غرب، آمریکا و اسرائیل را با فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.

نتیجه

نزاع، مبارزه و تقابل میان باورها و ارزش‌های متضاد و متعارض، همواره در تاریخ بوده و هست. تعارض‌های امروز میان اسلام و تفکرات اسلامی و دینی، با ارزش‌های سرمایه‌داری و سکولار با دخالت سیاسیان ابعاد نوین و گسترده‌ای به خود گرفته است. مناسبات ایران و آمریکا بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران نیز همواره با ستیز و چالش روبه‌رو بوده است. قطع روابط دیپلماتیک و سیاسی میان این دو کشور نیز بر دامنه و گسترده این تعارض‌ها افزون کرده است. در مواجهه نرم میان ایران و آمریکا، هر دو کشور به دلیل دارا بودن ابزارها و ظرفیت‌های خاص خود در به نمایش گذاردن قدرت و توان نرم، علیه همدیگر در حال زورآزمایی می‌باشند. قابل کتمان نیست که علی‌رغم قدرت سخت و نرم آمریکا، توان و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر یکی از چالش‌ها و موانع جدی در مقابل گسترش هژمونی آمریکا در خاورمیانه و حتی جهان است.

این ترس و احتیاط بعد از فروپاشی شوروی و ایده کمونیسم، شدت و عمق بیشتری یافته است. جمهوری اسلامی ایران در مناسبات خود با آمریکا، زمانی می‌تواند موفق باشد که در کنار تأکید بر ارزش‌های عقیدتی، فکری و فرهنگی خود از ظرفیت‌های سخت و خصوصاً از توانمندی‌های اقتصادی بالایی برخوردار باشد. تکیه صرف بر قدرت نرم بدون پشتوانه مادی و قدرت سخت، نمی‌تواند ضامن خوبی برای مقاومت و مقابله با قدرت هوشمند و مرکب ایالات متحده باشد. از طرف دیگر قدرت نرم و ظرفیت‌های نرم جمهوری اسلامی ایران، باید مبتنی بر عقلانیت و تعقل پایدار بوده و از حالت احساسی، عاطفی و هیجانی صرف فاصله داشته باشد. با توجه به این دو نکته مهم و اساسی و سایر عوامل دیگر می‌توان مناسبات و مواجهات نرم میان ایران و آمریکا را با نگاه خوش‌بینانه، در راستای منافع بلندمدت جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی کرد.

1. Wilderz.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، مجتبی و زارع درخشان و ابوذر و حسین همزاده ایبانه، ۱۳۸۸، *از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر انقلاب*، بی جا، معاونت فرهنگی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۳. بشیریه، حسین، ۱۳۸۴، *آموزش دانش سیاسی*، تهران، نشر نگاه معاصر.
۴. دوورژه، موریس، ۱۳۵۴، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۵. رنجبران، داود، ۱۳۸۸، *جنگ نرم*، تهران، ساحل اندیشه تهران (سات).
۶. سریع القلم، محمود، ۱۳۸۴، *ایران و جهانی شدن، چالش‌ها و راه حل‌ها*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۷. شاکری خوئی، احسان و اسمعیل زاد، علیرضا، ۱۳۸۹، *اسطوره استبداد و امتناع دموکراسی*، تبریز، ستوده.
۸. شاکری خوئی و داود احمدزاده، ۱۳۹۰، *درس گفتارهای انقلاب اسلامی*، تبریز، آیدین.
۹. ضیایی پرور، حمید، ۱۳۸۳، *جنگ نرم، ویژه جنگ رسانه‌ای*، جلد ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۰. فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس.
۱۱. _____، ۱۳۷۹، *ایران: روح یک جهان بی روح*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نی.
۱۲. گازیوروسکی، مارک، ۱۳۷۱، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز.
۱۳. گالبرایت، جان. کنت، ۱۳۶۶، *کالبد شکافی قدرت*، ترجمه احمد شهسا، تهران، سروش.
۱۴. لوکس، استیون، ۱۳۷۰، *قدرت: فرانسائی یا شر شیطانی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۷، «منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، ش ۱۶.
۱۶. منوچهری، عباس، ۱۳۸۱، *نظریه‌های انقلاب*، تهران، سمت.
۱۷. نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم*، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
18. Coleman, James, 1988, "Social Capital in the Creation of Human Capital", *The American Journal of Sociology*, The University of Chicago Press, Vol. 94.
19. Cottam, Richaerd. W, 1989, "Inside Revolutionary Iran", *The Middle East Journal*, no 43 (spring).

20. Fenwick, 1965, *International Law*, Meredith Publishing co.
21. Keohane, R and Nye Joseph, 1998, "Power and Interdependence In The Information age", *Foreign Affairs*, no 70, (sep/oct).
22. Nye, Josrph, 2004, *Soft power; The means to success in world Politics*, New York, Public Affairs.
23. Solow, Robert, 1956, *Notes on Social Capital and Economic Performance*, MIT.
24. Waldman, Peter, 1994, "Iran fights, New Foe: Western Television", *Wall Street Journal*, August8.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني